

۴. کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز

باشد که باز بینیم دیدار آشنا را

کشتی شکستگانیم: افرادی درمانده هستیم

باد شرطه: باد موافق در این جا مراد عارف کامل

مسلماً گرفتاری حافظ این نیست که کشتی اش شکسته و اکنون چشم انتظار باد است! بلکه می خواهد پیر طریقت او را از درماندگی برهاند.

معنی بیت: افرادی درمانده هستیم. ای پیر طریقت (عارف دستگیر) مدد کن تا شاید دوباره چهره ی یار را ببینیم.

زاهد ار راه به رندی نبرد معذور است

عشق کاری است که موقوف هدایت باشد

رند در کلام حافظ عارف کامل، ولی آشنا بر حقایق است، کسی که با تیزبینی
ریاکاران را چنانچه هستند بشناسند.

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه‌ای برون آی کوکب هدایت

کوکب هدایت: ستاره‌ی هدایت در این جا عارف کامل که سالک را هدایت می‌کند.

به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم

که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد

دلیل: راهنما

اهتمام: تلاش

ای دلیل دل گم گشته خدا را مددی

که غریب از نبرد ره به دلالت برود

ای راهنمای دل گم شده‌ی من تو را به خدا سوگند می‌دهم که مرا کمک کن.

ناآشنایی که راه‌ها را نمی‌شناسد با هدایت آشنا راه خود را می‌یابد.

سالک از نور هدایت بیرد راه به دوست

که به جایی نرسد گر به ضلالت برود

سالک: رهرو، کسی که در مسیر عارفان گام برمی دارد. ضلالت: گمراهی

طی این مرحله بی همرهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

این مرحله را بدون همراهی و راهنمایی خضر (عارف کامل) طی نکن. در این

دنیا نور هدایت نیست از خطر گمراهی بترس.

مگر خضر مبارک پی در آید

ز یمن همتش کاری گشاید

یمن: برکت

در آمدن: وارد شدن

که انصاف می دهیم ز راه اوفتاده ایم

کار از تو می رود مددی ای دلیل راه

هر چند سکن در زمانی

بی خضر مرو تو در خرابات

خرابات: میکده در کلام حافظ مراد وادی عشق و عرفان

پیر باید، راه را تنها مرو از سر عمیا در این دریا مرو

عمیا: مؤنث اعمی، نابینا

همتم بدرقه‌ی راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصود و من نو سفرم

همت: در اصطلاح صوفیه توجه طالب است با تمام قوای روحانی خود به جانب حق برای حصول کمال برای خود یا دیگری.

طایر قدس: پرنده‌ی قدس، عارف کامل

همت طالب از باطن پیران سحر خیز

زیرا که یکی را زدو عالم طلبیدند

مدد از خاطر رندان طلب ای دل ور نه

کار صعب است مبادا که خطایی بکنیم

صعب: دشوار